

کارشناسان، نمایندگان مجلس و فعالان بخش خصوصی بررسی کردند

«بسته ضد رکود» دولت چقدر مفید است؟



عکس: رضاحسینی، فرهیختگان

می‌دهد و امیدواری به مثبت شدن رشد اقتصادی در سال جاری را تقویت می‌کند. شاخص تورم نیز که در سال گذشته تا ۴۵ درصد بالا رفته بود، طی یک سال به ۱۴/۶ درصد (خردادهامه امسال نسبت به خردادهامه پارسال) کاهش یافته که نشان می‌دهد سطح عمومی قیمت‌ها در یک سال گذشته، کمتر از ۱۵ درصد افزایش یافته است و می‌توان امیدوار بود تورم میانگین نیز تا پایان امسال، به زیر ۲۰ درصد برسد. با مجموعه این تحولات، این امیدواری وجود دارد که در صورت ادامه روند طی‌شده و با فرض تداوم دیپلماسی موثر دولت، «چرخیدن چرخ کارخانه‌ها» با افزایش رشد اقتصادی و «توقف کوچک شدن سفره خانوارها» با سطوح بالای تورم اتفاق بیفتد. همزمان، دولت نیز در دو گزارش مفصل، استراتژی خود را برای عبور اقتصاد ایران از رکود به صورت غیرتورمی ارائه کرده و از صاحب‌نظران و اقتصاددانان درخواست کرده که به نقد این «بسته» بپردازند. بنابراین ضرر کود تورمی دولت، حاوی اطلاعاتی است که بر پایه نظرات اقتصاددانان حاضر در کابینه نوشته شده است. از این رو، حال که سه روز از انتشار متن کامل آن در وب‌سایت ریاست‌جمهوری می‌گذرد، فرصت مغتنمی است تا نظرات سه ضلع مختلف کارشناسان، نمایندگان مجلس و فعالان بخش خصوصی در این باره منتشر شود. «فرهیختگان» با این رویکرد به سراغ برخی چهره‌ها در این سه حوزه رفته و به نظر خواهی پیرامون «بسته» ضرر کود دولت پرداخته است.

درصد کاهش پیدا کرد تا به گفته اقتصاددانان، اقتصاد ایران در سال ۹۲، نزدیک به هفت درصد کوچک تر شود، آن هم در شرایطی که اقتصاد ایران با تورم ۴۵ درصدی مواجه بود. رقمی که به‌جز در یک دوره ۱۰ماهه در سال ۱۳۷۴، در ۲۰ سال اخیر اگر بی‌سابقه نباشد؛ کم‌سابقه است. این رقم تورم، فقط در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ در اقتصاد ایران سابقه داشت. یعنی در سال‌هایی که ایران با تبعات جنگ جهانی دوم روبه‌رو بود و بحران اقتصادی به حدی رسید که در تهران، قحطی نان اتفاق افتاد. ضمن اینکه رشد اقتصادی منفی ۶/۸ درصدی نیز، در تاریخ کشور بی‌سابقه بوده است. پیش از سال ۱۳۹۱، فقط در حد فاصل سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۷ (سال‌های انقلاب و جنگ) اقتصاد ایران رشد اقتصادی منفی را تجربه کرده است. این دو موضوع بیانگر این است که اقتصاد ایران در دو سال پایانی دولت دهم یعنی سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، به هیچ‌وجه حال و روز خوبی را از نگاه نماگرهای اقتصادی نداشته است. حال باید به سوالی پاسخ داد که ابتدای این نوشتار مطرح شد. چرا آمار ارائه‌شده از سوی بانک مرکزی مهم است؟ پاسخ ساده است. این آمارها رویاترگر کاهش «رکود تورمی» و امیدواری به بازگشت متغیرهای اقتصادی به مسیر منطقی است. رشد اقتصادی ۹ ماهه نخست پارسال، (دولت روحانی) معادل منفی ۳/۴ درصد بوده که در مقایسه با نرخ منفی ۶/۸ درصدی سال ۱۳۹۲، نصف شدن نرخ رشد منفی را نشان

گروه اقتصادی: حدود یک ماه پیش، بانک مرکزی برخی از مهم‌ترین گزارش‌های آماری خود در «نشریه‌نماگرهای اقتصادی» را که به آمارهای تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی در سه دوره «بهار، تابستان و پاییز ۱۳۹۲» ارتباط داشت، منتشر کرد. جزئیات تغییرات تولید نیز در «گزارش تحولات اقتصادی ایران در ۹ ماهه سال ۱۳۹۲» ارائه شد. در عین حال بانک مرکزی هر هفته و هر ماه به رصد شاخص قیمت مصرف‌کننده می‌پردازد تا روند تورم در اقتصاد کشور را نشان دهد و آخرین آمار مربوط به این شاخص مربوط به خردادهامه امسال است. اما چه دلایلی می‌توان برای مهم بودن این گزارش‌ها عنوان کرد به جز اینکه گزارش‌های بانک مرکزی تصویری نزدیک به واقعیت از وضعیت «رکود تورمی» در کشور ارائه می‌کند که به واسطه منفی شدن رشد اقتصادی در سال‌های اخیر به وجود آمده است؟ در ادبیات اقتصادی، «رکود تورمی» در یک تعریف ساده به کاهش و منفی شدن رشد اقتصادی از یک سو و شتاب گرفتن تورم از سوی دیگر اطلاق می‌شود. این را باید توجه داشت که به‌طور طبیعی، نوعی همسویی میان «تورم» و «رشد اقتصادی» وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که افزایش تورم، به رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت منجر می‌شود و کاهش تورم نیز رکودی نسبی را ایجاد می‌کند. اما وضعیت اقتصاد ایران به‌ویژه در بهار پارسال، به‌گونه‌ای بود که تمام فرمول‌های ثابت اقتصادی را به هم می‌ریخت. پارسال، بنا به دلایلی، رشد اقتصادی به منفی ۶/۸

بسته حمایتی دولت کامل و جامع است

کرد تا این موارد هم به‌خوبی تنظیم شود. اما این موارد در دو بخش خلاصه می‌شود که یکی از این موارد، به افزایش سرمایه بانک‌ها و مساله بعدی به تامین نقدینگی برای بحث سرمایه‌گذاری اختصاص دارد که در این دو مورد مجلس می‌تواند کمک قابل‌توجهی به دولت کند. به‌عبارت دیگر مجلس در مواردی که نیاز به حمایت دارد و در مراحل کار نیاز به اصلاح داشته باشد، می‌تواند نقش موثری داشته باشد. به‌نظر می‌رسد در این بسته حمایتی تمامی موارد در نظر گرفته شده است. به‌عنوان مثال در این بسته به تامین مالی و بهره‌وری در فضای کسب‌وکار به‌خوبی توجه شده است؛ البته در این میان نحوه اجرا نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که باید مورد توجه دولتمردان قرار گیرد. نکته دیگری که دولت در این بسته حمایتی مورد توجه خود قرار داده است، توجه به نظر نخبگان است چراکه دولت در این میان به جمع‌آوری نظر نخبگان پرداخته است تا هرچه بهتر این بسته حمایتی را اجرا کند. درخصوص محورهای چون تولید و نظام بانکی نیز به‌نظر می‌رسد که توجه دولت در این بسته به این دو محور کامل و جامع بوده است؛ به‌عنوان مثال در بخش تولید به دو موضوع مهم از جمله تامین منابع مالی و بهره‌وری به‌خوبی توجه شده است. البته در این میان اقدام مناسب‌تر این است که این بسته با توجه به‌شرایط سخت تحریم در نظر گرفته شده است این درحالی است که برخی مواقع تدوین بسته‌های حمایتی بدون توجه به تحریم‌ها در نظر گرفته می‌شد. اما حسن این بسته همان‌طور که گفته می‌شود این است که با توجه به‌شرایط تحریمی بسته شده است.



غلامرضا تاجگردون
رئیس کمیسیون برنامه و بودجه

ارائه بسته حمایتی برای خروج غیرتورمی از رکود، اقدام خوبی است که از سوی دولت انجام شده است. از سوی دیگر با توجه به‌اینکه این بسته با نظرسنجی هم همراه بوده است، ویژگی مثبت این بسته را برجسته‌تر کرده است. مساله دیگری که بر ویژگی‌های مثبت این طرح اضافه کرده است، به این نکته اختصاص دارد که برخی قوانین موجود در این بسته به مصوبه دولت و برخی دیگر دیگر اجراء باید در یک پروسه مشخص باشد و برنامه اجرایی دقیقی برای این بسته‌ها در نظر گرفته شود. به‌عنوان مثال در دو بخش معدنی و خودروسازی باید بیش از پیش توجه کنیم؛ چراکه نخست باید در بخش معدنی مباحثی چون اکتشاف، استخراج و فراآوری داریم اما دربخش اکتشاف به بخش خصوصی توجه کمتری شده است. بنابراین دولت باید دربحث اکتشاف برنامه‌ریزی بیشتری داشته باشد تا انگیزه بخش خصوصی افزایش یابد و ارزش افزوده خوبی نیز عایدمان شود. دوم اینکه در بخش خودروسازی هرچند از قبل هدف‌گذاری‌ها مشخص بوده است اما اعمال محدودیت‌های بین‌المللی باعث شد تا نتوانیم به هدف‌گذاری خود دست یابیم. در نتیجه در این بسته حمایتی نباید خودروسان تنها دیده شود و در این میان به مصرف‌کننده نیز توجه شود تا کیفیت خودرو نیز افزایش یابد و از این طریق شاهد رشد و شکوفایی اقتصاد کشور باشیم.

الزامات دولت در بسته حمایتی خروج از رکود



سیدشریف‌حسینی
عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس

در واقع بحث رکود و تورم دو مقوله متضاد یکدیگرند؛ بدان معنا که وقتی تورم وجود دارد، از سیاست‌های انقباضی استفاده می‌کنیم تا جلوی تورم گرفته شود و در دست زمانی که در وضعیت رکود هستیم، از سیاست انبساطی برای رونق اقتصادی بهره می‌بریم. اما با توجه به شرایط رکود اقتصاد کشور، هم باید سیاست کنترل تورم و هم سیاست خروج از رکود را در ایجاد رونق اقتصادی اعمال کنیم که همین مساله کار را سخت‌تر می‌کند؛ بنابراین دولت باید سیاست حمایتی را برای خروج از رکود و رونق اقتصادی اعمال کند. ضمن‌اینکه با سیاست انقباضی جلوی رکود را بگیرد. حال اگر بدون سیاست خاصی و بسته حمایتی به تزریق پول دست بزند، مجددا شاهد تورم خواهیم بود در نتیجه بسته حمایتی در این شرایط ضروری به نظر می‌رسد، چراکه تدوین و اجرای این بسته باعث می‌شود تا بدانیم که از پول در چه چهتی استفاده کنیم. این در حالی است که چنین اتفاقی در دولت یازدهم رخ داده است. اما با توجه به وضعیتی که در گذشته رخ داد و نگاه نادرستی که دراجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها داشتیم، شرایطی در کشور ایجاد شد که تولید با ظرفیت پایینی کار خود را دنبال کرد و همین مساله باعث شد اشتغال کشور با چالش‌های عده‌ای روبه‌رو شود ضمن اینکه وضعیت اشتغال بیش از پیش محدود شود. علاوه‌بر

حمایت از تولید در اولویت قرار گیرد



حمیدرضا فولادگر
عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس

بسته حمایتی دولت برای خروج غیرتورمی رکود که پیش از این منتشر شد از چند جنبه قابل بحث و بررسی است. اصلی‌ترین نکته در این میان این است که این بسته حمایتی بیشتر جنبه نظری و تئوریک دارد. ضمن‌اینکه به تشریح وضعیت موجود اقتصاد کشور و عوامل موجود و خط مشی دولت نیز پرداخته شده است. ضمن اینکه براساس این خط‌مشی‌ها راه‌حل‌ها نیز استخراج شده است؛ اما مساله اصلی این است که در این بسته تنها به وضعیت اقتصادی کشور در دولت قبل اشاره شده است، در حالی که تدوین‌کنندگان باید به وضعیت اقتصاد کشور در دوره‌های قبل نیز می‌پرداختند اما این بسته تنها محدود به دولت قبل شده است. علاوه‌براین باید در این بسته نقاط ضعف و قوت دولت‌های قبل نیز درنظر گرفته می‌شد و به برنامه‌های اول تا پنجم توسعه و نقاط ضعف و قوت این برنامه‌ها نیز اشاره می‌شد. در حالی که این بسته تنها به دوره قبل اختصاص یافته است. بنابراین این مساله جای بحث دارد. نکته دیگری که دراین میان مطرح می‌شود این است که دراین بسته حمایتی باید براساس خط‌مشی‌ها و سیاست‌های کلی نظام حرکت کنیم؛ همان سیاست‌هایی که مقام معظم رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام بر آن تاکید داشته‌اند. بنابراین با توجه به اهمیت این مساله،

هدف گذاری دولت توجه به تولید باشد

می‌تواند انجام دهد؟ تنها راهکار این است که نظام بانکی، فاصله بین نرخ بهره‌ای که از تولید می‌گیرد و در اختیار ما می‌گذارد و هم‌اکنون بین سه تا چهار درصد است را به دو درصد برساند. این اتفاق باعث می‌شود وام برای بنگاه‌ها ارزان‌تر شود و هزینه بخش تولید کاهش یابد. با این تفسیر دولت در تدوین این بسته باید سیاست‌هایی را به‌کار ببرد تا هزینه تولید کاهش یابد تا اقتصاد کشور بهبود یابد.

واحدهای تولیدی است باید کاری کرد که تولید افزایش یابد و این هدف محقق نخواهد شد مگر اینکه این بخش مورد حمایت قرار گیرد. اما نکته دیگر درکنار توجه به بخش تولید، مباحثی درمورد نظام بانکی کشور است. این در حالی است که هم‌اکنون نظام بانکی به سیرده‌ها، ۲۲ درصد و به بخش تولید ۲۵ درصد سود می‌دهد. در چنین شرایطی و با توجه به نرخ تورم ۴۰ درصدی نظام بانکی چه کاری

میسر می‌شود. البته ناگفته نماند در این میان لغو بعضی از تحریم‌ها نیز تأثیرات مثبتی برجای گذاشته است و باعث شده وضعیت تا حدود زیادی بهبود یابد. اما بهترین راهکار برای خروج غیرتورمی از رکود در کنار توجه به این موارد، توجه به بخش تولید است. به‌عبارت دیگر باید به تولید شوک مثبت داده شود. اما این شوک مثبت باید در

اقتصاد در سال ۹۲ به منفی نرخ درصد رسید. علاوه‌بر این هرچند نرخ بیکاری نیز به درستی اعلام نمی‌شود اما این مسائل علت آن شد تا نرخ بیکاری نیز افزایش یابد. تمام این موارد دست به دست هم داد تا امروز شاهد مشکلاتی در اقتصاد کشور به‌ویژه رکود در بخش تولید باشیم. بنابراین با توجه به این موارد، خروج از رکود، تنها با حرکت بخش تولید

صدمات جبران‌ناپذیری را به بخش تولید وارد کرد. به‌عبارت دیگر هدفمندی یارانه‌ها به دلیل افزایش هزینه انرژی بخش تولید را فلج کرد و همین مساله رکود تورمی را افزایش داد و باعث شد بخش عمده‌ای از واحدهای تولیدی زیر ظرفیت کار کنند و بخشی از نیروهای کار در این بخش‌ها بیکار شوند. این مساله مشکل دیگری نیز برجای گذاشت و باعث منفی شدن رشد اقتصادی کشور شد، به‌گونه‌ای که رشد

برای خروج از رکود به تقاضا هم توجه شود

بانک مرکزی مسئول وصول سفته می‌شود. حال سوال اینجاست که اگر سررسید سفته‌ها فرارسید و پرداختی صورت نگرفت چه باید کرد؟ می‌توان سفته‌های یادشده را بیمه کرد. در چنین شرایطی بانک‌ها متحمل هزینه نمی‌شوند. روش یاد شده نفع‌تنها به تقویت تولید و رشد اشتغالزایی کمک می‌کند و تولید ناخالص داخلی را افزایش می‌دهد بلکه درآمد دولت را هم افزایش می‌دهد. با رونق عرضه و تحریک تقاضا درآمد بیشتری به جیب تولیدکننده می‌رود و مالیات بیشتری به دولت می‌پردازد. از طرفی با تولید بیشتر مواد اولیه بیشتری نیاز است که درآمد دولت ناشی از وصول عوارض گمرکی برای ترخیص این مواد را بیشتر می‌کند. همچنین راهکار یاد شده به رفاتی شدن تولید داخلی می‌انجامد. چون دولت به‌ازای تعهدپذیری سفته‌ها، نظارت بیشتری بر کیفیت تولید داخل اعمال می‌کند و به نوعی راه ورود کالاهای ایرانی به بازارهای خارجی را هموارتر می‌کند.

که نقدینگی به جامعه تزریق شود و به‌عنوان پول پرفشار اقتصاد را دچار مشکل کند بلکه می‌توان به روش‌های دیگر و با پول کم‌فشار تقاضا را بیشتر کرد. دولت می‌تواند به تولیدکننده داخلی پیشنهاد کند در ازای فروش محصول خود بخشی از بهای تمام‌شده را نقدی و بخش دیگر را به صورت سفته از خریدار وصول کند. البته سفته‌هایی که این قابلیت را داشته باشند توسط بانک‌ها از تولیدکننده خریداری شوند تا بانک در قالب عقد خرید دین با کسر بهره در ازای سفته‌های یادشده پول نقد به تولیدکننده پرداخت کند. البته سوال اینجاست که بانک‌ها منابع برای خرید این سفته‌ها را باید از کجا تامین کنند؟ برای این کار، بانک مرکزی می‌تواند این سفته‌ها را به ازای درصدی از ذخایر قانونی از بانک‌ها دریافت کند. در حال حاضر بانک‌ها باید ۱۳/۵ درصد از سپرده خود را نزد بانک مرکزی بگذارند و با راهکار جدید می‌توانند ۵ درصد از این سپرده را در قالب سفته به بانک مرکزی پرداخت کنند. به این ترتیب



مسعود دانشمند
عضو هیات نمایندگان اتاق ایران

دولت در بسته پیشنهادی خروج از رکود بیشتر از هر موردی به عرضه توجه کرد. به عبارتی به این بسنده کرد که برای تولید چه کنیم؟ فرض وام به تولید داده شود، بدهی‌های بانکی تولید استمهال شود یا سرمایه در گردش بنگاه‌های تولید فراهم شود. قطعاً این راهکارها خوب است منتها بحث این است که با مغفول واقع شدن طرف تقاضا حمایت از تولید نتیجه نمی‌دهد. رکود یعنی نبودن تقاضا در بازار نه اینکه صرفاً عرضه‌ای صورت نمی‌گیرد. مشکلی که تولید ما با آن دست به گریبان شد این است که بازاری وجود ندارد تا عرضه خود را بیشتر کند. وقتی بازار نباشد تولید هم خود به خود متوقف می‌شود. با این تفصیلات دولت باید بخش تقاضا را هم تحریک کند. البته منظور این نیست

بانک‌ها دهد. یکی از راه‌ها این است که از پس‌انداز مردم استفاده کند. البته راه‌حل یاد شده با توجه به اتفاقات چند سال اخیر چندان کارایی ندارد چراکه مردم اولاً بازار سرمایه را در دست دولت می‌بینند و به آن اعتماد ندارند و از طرفی با توجه به تورم حاکم بر اقتصاد از پس‌انداز بانکی رویگردان شده‌اند. با این شرایط گزینه پیش روی دولت استفاده از منابع خارجی است. درواقع باید راه را برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی باز گذاشت تا منابع جدید به کشور تزریق شود. این امر مستلزم استراتژی مناسب و راهبردهای منطقی است. اگر خوش‌بینانه تصور کنیم که بسته پیشنهادی دولت قابل تحقق است باید جذب سرمایه‌گذاری خارجی را اولویت دولت در نظر بگیریم، چراکه جذب سرمایه خارجی توان دولت برای خروج از رکود اقتصادی را دوچندان می‌کند و این فرصت را به منابع داخلی نظیر پس‌انداز مردم می‌دهد که به داد تولید و بهبود اقتصاد برسد.

نفت و با استقرار از بانک‌ها عامل تشدید تورم شد. اما اینکه چرا دولت‌ها قرض می‌کنند، به افزایش هزینه در بدنه دولت برمی‌گردد. البته همه دولت‌ها با مداخله مستقیم در امور اقتصادی متحمل هزینه اضافه می‌شوند، منتها عدم کارایی دولت ایران در هشت سال گذشته کارنامه نه‌چندان مطلوبی را به جا گذاشت. به‌طوری‌که امروز از عملکرد هزینه‌بر، دولت قبل گزارش‌های تامل‌برانگیزی انعکاس پیدا می‌کند. این در حالی است که دولت‌ها باید تا جای ممکن از مجری بودن در برخی امور کشور فارغ شوند و نقش ناظر را در کنار بخش خصوصی ایفا کنند. البته تا تحقق کامل این امر باید راه گریز از رکود تورمی جاری را پیدا کرد. در سرفصل‌های کلی بسته پیشنهادی دولت یکی از راه‌ها تمرکز بر منابع داخلی است. منابعی از داخل و خارج از کشور که بتواند بار هزینه‌ها را کاهش و حجم بدهی دولت به



داوود سوری
استاد دانشگاه شریف

دولت مانند شهروندان درآمد و هزینه دارد با این تفاوت که افراد عمدتاً بیشتر از درآمد خرج نمی‌کنند اما دولت این قابلیت را دارد که با استقرار کلان از بانک مرکزی کار خود را پیش ببرد و حتی قرض خود را پس ندهد. این در حالی است که اگر دولت بدهی خود به بانک‌ها (بانک مرکزی) را پس ندهد و این بدهی‌ها انباشت شود به شکل تورم خود را در اقتصاد نشان می‌دهد و در نهایت از جیب تک‌تک مردم جبران می‌شود. با توجه به نقش تورمی بدهی به بانک‌ها، دولت‌ها موظفند که انضباط پولی داشته باشند و به اندازه درآمد‌های از نفت، مالیات یا فروش خدمات هزینه کنند. این در حالی است که در هشت سال گذشته دولت زیر بار این موضوع